

موضوع زیباشناسی

(استتیک)

محمود عبادیان

الف) مرزبندی موضوع زیباشناسی

۱- مفهوم و خصلت زیباشناسی

زمانی که انسان شروع به اندیشه درباره موضوع (مسئله) زیباشناسی کرد، پرداخته (دست آورد) های هنر انسانی وجود داشت و جنبه های زیبایی را القاء می کرد. این عمل در تاریخ و فلسفه و ادبیات و هنر و سایر رشته ها و در سده ها سال پیش از آنکه این مبحث نام گذاری (مقرول بندی) شود، درباره اش تصورات، دریافت ها و تفسیرها می شد و از زاویه های مختلف مورد توجه قرار می گرفت. از همین رو در تاریخ تفکر زیباشناسی را به شیوه های گوناگون تعریف کرده اند و به عنوان موضوع در نظر گرفته اند. این تعاریف و روش ها در سده های گذشته و در سده های اخیر اندیشه هایی که در این رهگذر پیش می آمد در قدم اول صرف این امر شده بود که علت یا علت های اینکه انسان از یک شکل یا پدیده خاص لذت یا تمتع ویژه می برد را دریابد (پیدا کند). اغلب به نتیجه می رسیده اند که آبشخور یا سرچشمه این لذت، زیبایی یا امر زیباست. این تعاریف و روش ها در سده های گذشته و در سده های اخیر تاریخ اندیشه های زیباشناختی نشان می دهد که سپس یک رشته سئوال های دیگر به میان آمد که دایره مسائل را بسیار گسترده تر کرد. به عنوان مثال، رابطه درک استتیکی (زیباشناختی) با شناخت و غیره. این سئوال ها وقتی به نتیجه رسیدند که تلذذ از یک امر زیبا، در واقع نوعی نگرش، دید یا رویکرد به واقعیت های جهان هستی است، آن گاه ملاک تمایز آن از بینش یا رویکرد علمی به واقعیت ها به میان آمد. از آنجا که زیباشناسی یک رشته علمی است، در نتیجه باید تلقی اش از موضوع خود نیز ضرورتاً علمی باشد. بنابراین، در وهله اول باید مشخص کرد، امری یا انگیزه ای که ما را به مشاهده این یا آن پدیده یا واقعیت ترغیب می کند، مقصد علمی دارد یا اینکه انتظار خاصی است که بیشتر به جذب یا تسخیر زیباشناختی امر انجام می پذیرد.

تعریف‌هایی که در باب رابطه یا رویکرد زیباشناختی انسان با چیزها و پدیده‌ها در قرن حاضر کرده‌اند، زیباشناسی را دانش امر زیبا یا دانش پدیده‌های زیباشناختی و غیره دانسته‌اند. تعریف‌ها بنا به نگرشی که به امر افکنده می‌شود و این‌که چه جنبه‌ها را می‌خواهد برجسته کند، متفاوت‌اند.

با توجه به تجربه‌های تاریخی و تعریف‌های مختلفی که ارائه شده، شاید بتوان زیباشناسی را به عنوان یک رشته چنین تعریف کرد:

زیباشناسی دانشی است در خصلت، علل، قانونمندی‌ها و معنی پدیده‌های زیباشناختی - که از نظر تاریخی، عینی، اجتماعی - حاصل دریافت زیباشناختی و هنری جهان است، یعنی دریافت زیباشناختی طبیعت، جامعه و انسان.

در این تعریف، این نکته گویاست که زیباشناسی تنها به هنر نمی‌پردازد، بلکه می‌تواند زیبایی را در طبیعت، در جامعه و در فرد انسانی نیز موضوع بررسی کند. در برخی تعریف‌ها در ضمن بر بررسی کارکرد زیباشناسی، مشاهده زیباشناختی، کنش زیباشناختی، آگاهی زیباشناختی نیز توجه شده است.

در این مقطع مرزبندی دامنه و پرسش زیباشناسی، مناسبت دارد که تمایز این رشته از «دانش هنر» نیز در نظر گرفته شود. درک امروزی، زیباشناسی را از دانش کلی درباره هنر تفکیک می‌کند. توجیه این تفکیک بر نکات زیر بنا دارد:

الف) قلمروی زیبایی با امور زیبا گسترده‌تر از حوزه هنر است.
ب) تئوری یا دانش کلی هنر، هنر را به طور کلی به بررسی می‌گیرد، یعنی جوانب غیر هنری (زیباشناختی) آن را هم مد نظر دارد. البته این تفکیک به معنی نادیده گرفتن ارتباط این دو رشته پژوهشی متوازی نیست. نظریه‌پردازانی هستند که رابطه این دو رشته را به گونه‌ای دیگر تبیین می‌کنند و چند مدل نظری متفاوت ارائه می‌کنند. برای نمونه:

- ۱- زیباشناسی و دانش هنر هیچ‌گونه رابطه نزدیک با یکدیگر ندارند.
- ۲- زیباشناسی و دانش هنر، یک مبحث واحدند.
- ۳- تئوری یا دانش کلی هنر، بخش درونی زیباشناسی همگانی است.
- ۴- زیباشناسی زیرمجموعه دانش کلی هنر است.
- ۵- زیباشناسی و دانش هنر، طیف مشترک و متفاوت دارند. مدلی که بیش از همه رجحان‌پذیر شده است، نکته ۵ است.

- ۱- زیباشناسی و دانش کلی هنر، یک مبحث واحدند.
- ۲- دانش کلی هنر، بخش مشترک و متفاوت دارند.
- ۳- بخش مشترک

موضوع هر دو رشته علمی (بخش‌های ۱ و ۲ هر یک قلمروی مستقل و خاص خود را دارند). البته از نظر تاریخی و منطقی نمی‌توان این افتراق و اشتراک را بهترین تبیین رابطه این دو رشته پژوهشی دانست. زیبایی‌شناسی همواره چنان قلمروی هنر را در بر می‌گرفته که اغلب (به ویژه در فلسفه هگل) فلسفه هنرهای زیبا به‌شمار آمده است. واقعیت این است که دانش هنر عمدتاً با هنر به عنوان یک پدیده زیباشناختی سر و کار دارد و جوانب دیگر آن را تنها از این خاستگاه مورد توجه قرار می‌دهد.

طبیعی است که رشته‌هایی همچون جامعه‌شناسی، روانشناسی و غیره نیز از دیدگاه خود به بررسی هنر می‌پردازند، یعنی از نقطه نظر فرازیباشناختی (برون - زیباشناختی) و برون هنری، امری که برای زیبایی‌شناسی و دانش هنر با اهمیت است، بی‌آنکه فی‌نفسه زیبایی‌شناسی و دانش هنر باشد.

از آنجا که قلمروی زیبایی (امور زیبا) به هنر خلاصه نمی‌شود، بلکه زیبایی برون هنری (برون زیباشناختی) نیز وجود دارد، مناسبت زیبایی‌شناسی، دانش هنر، زیبایی‌شناسی برون هنری را می‌شود در مدل زیر مجسم کرد:

۱- قلمروی امر زیبا (و تئوری آن) ی برون هنری

۲- قلمروی هنر و دانش کلی هنر

۳- قلمروی هنر کاربردی (و تئوری آن) و قلمروی پدیده‌های بینابینی

۴- تمام قلمروی امر زیبا

طبیعی است که دست پرداخته‌های برون هنری (اشیای مصرف روزینه) قرار نیست که از معیار (ملاک) زیباشناختی تبعیت داشته باشند، همین وضع را بسیاری پدیده‌های طبیعی دارند. بنابر این از طیف آنچه زیباشناختی است بیرون‌اند و لذا موضوع زیبایی‌شناسی نخواهند بود. در قلمروی هنر نیز ممکن است قلمروی زیبایی‌شناسی نادیده گرفته شود؛ این وقتی است که فرضاً موضوع از لحاظ جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی مورد توجه است، حال آنکه در زیبایی‌شناسی، هنر مرکز توجه است (و البته امر زیبای برون هنری نیز).

قلمروی حد میان زیبایی غیر هنری و هنر از دو لحاظ شایان توجه است:

الف) به عنوان قلمروی آمیخته، یعنی حوزه هنر کاربردی (خود به عنوان گویای آن است که هنر به قلمروی برون هنری فرامی‌رود)

ب) قلمروی بینابینی (گذار):

۱) برخی پرداخته‌های زیباشناختی برون هنری، گرایش گذر به هنر دارند یا اینکه در جریان تاریخ مستقیماً گذار به قلمروی هنر می‌کنند (برای مثال، برخی نامه خصلت بارز ژانر ادبی به خود می‌گیرند، یا تصویرهای بر دیواره‌های غار باستانی که در اصل به عنوان اثر هنری خلق نشده بودند)

۲) برخی شکل‌های هنری یا ژانرهای هنری از حوزه هنری وارد قلمروی زیبایی‌شناسی برون هنری می‌شوند (فرضاً برخی مارش‌ها و رقص‌های آثار موسیقایی که سپس در مراسم دولتی یا روزمره به استفاده گرفته می‌شوند). هر دوران تاریخی، قلمروی هنری و برون هنری خاص خود را می‌پروراند.

۲- امر زیبا موضوع سستی زیباشناسی

اشاره شد که زیباشناسی را اغلب به دانش زیبایی (امر زیبا) منحصر می‌کرده‌اند. مقوله امر زیبا در زیباشناسی نقش برجسته داشته و دارد. با این همه، این منحصر کردن نه تنها زیباشناسی را محدود می‌کند، بلکه گاهی تا اندازه‌ای گمراهی به بار می‌آورد.

هنر مدرن اغلب سعی دارد جهان روحی (معنوی) انسان را با تکان (شوکی) دادن، با حقیقت خشک، زشتی تعمداً، غافلگیری، فاجعه‌تراشی، پوچی و جز آن گسترش‌پذیر و دامنه‌پذیر کند؛ با این کار تصورات متحجر ما را از زیبایی، و تلقی ما را از جهان می‌شکند. این‌گونه کوشش هنری و سلب دیالکتیکی زیبایی گذشته و سستی شده لازم است؛ چه، زیبایی را می‌توان به این طریق نیز تجربه کرد، جهان را دریافت و از لحاظ روحی از آن خود کرد. دریافت حسی جهان ابعاد متنوع دارد و تنها به دریافت زیبا خلاصه نمی‌شود. رابطه زیباشناختی با واقعیت‌های جهان هستی به رابطه انسان با امور زیبا تمام نمی‌شود.

نظر مبنی بر اینکه امر زیبا موضوع مرکزی بررسی زیباشناسی است، از یک سو یک سنت وراثت شده تاریخی است که وظیفه هنرمند را صرفاً در خلق زیبایی می‌دید؛ دیگر ناشی از این اعتقاد است که زیبایی عینی بدون بستگی یا ارتباط با انسان وجود دارد، به گونه‌ای در نهاد جهان است، یا اینکه یکبار برای همیشه از سوی نبوغ هنرمند کشف می‌شود.

۳- بارزه مقدماتی محتوایی امر زیبا با توجه به مرزبندی موضوع زیباشناسی

امر زیبا (پدیده‌های زیباشناختی، مناسبت زیباشناختی و غیره) یک قلمروی خاص زندگانی اجتماع (جامعه) است، یک بُعد خاص هستی اجتماعی و آگاهی اجتماعی است. قلمرویی است در بستگی با کل واقعیت اجتماعی و مبتنی بر آن است؛ با دیگر شکل‌های فرهنگی در برخی علائم (نشانه‌ها) کلی اجتماعی خاصه روحی زمینه مشترک دارد و در عین حال از آنها متمایز است و نقش خاص و جایگزین ناپردار خود را در زندگی اجتماعی دارد.

در دوران کنونی در رشد زیباشناسی و برخی گرایش‌های آن چنین است که ماهیت و بارزه امر زیباشناختی را اغلب به ارزیابی پدیده‌ها صرفاً از نقطه نظر زیبایی یا نازیبایی آنها تعدیل می‌دهند، به این نکته که در انسان شیفتگی القاء می‌کند یا اینکه رویگردانی. با همه اهمیتی که چنین رویکردی داراست، ولی تنها نشانه امر زیباشناختی (امر زیبا) نیست. عمیق‌تر آن می‌نماید که آن را به مثابه یکی از شکل‌های خاص رابطه (مناسبت) انسان با جهان، یکی از صورت‌های دریافت انسانی جهان و واقعیت زندگی بدانیم.

با وجود آنکه در این ازانیدن یا تسخیر روحی جهان، اندیشه دخیل است و در همه حال در آن راه می‌یابد، هدف از آن شناختن عقلانی واقعیت آنچنان که به ویژه در علوم دیده می‌شود نیست. تملک زیباشناختی موضوع ضمن آنکه مبین مشاهده و شناختن موضوع عینی است، و معرف واقعیت عینی است، ضمناً بیانگر ارتباط انسان، مناسبت (تلقی) او با این واقعیت است (تلقی که از سویی در ارزش نهادن بر پدیده‌ها - از نظر زیبایی و زشتی - و از سوی دیگر در تغییر خلاق واقعیت؛ سرانجام اینکه تبلور و قوف انسان از این مناسبت

است.) در نتیجه با شکل دریافت عملی، تکنیکی با دریافت نظری تفاوت دارد. به جای ارائه تعریف ساده و ضمناً مانع و جامع که به خوبی امکان‌پذیر نیست، در زیر به ذکر شاخص‌ترین نشانه‌های امر زیباشناختی بسنده می‌کنیم که بیشتر خصصت رهنمون شونده و کلی دارد. دریافت (آزاندن) زیباشناختی جهان واقعی در نکات زیر تبلور می‌یابد:

(الف) در مصالح بی واسطه و مشخص ماده، رنگ‌ها، صوت و دیگر خاصیت‌های جهان هستی که حواس پذیر است.

(ب) در تشخیص و حیات‌مندی (شادابی) تصورات و عواطف.

(پ) در وحدت عمل حسی، عاطفی، تخیلی و در برتری نسبی آنها در ساختار روانی، در کنش و به مثابه عامل (سوژه) زیباشناختی.

(ت) در جنبه معنایی با گرایش آن به تجسم‌مندی، گویایی، گرایش محاکاتی و آشکارگی؛ در واقع ضمناً همچون نشانه دارندگی شاخص،

(ث) در وحدت شیفتگی آور، در درون‌گروندگی، در بازی، در توهم، در رؤیا، در فاصله و در ویژگی بخشندگی (ج) در شهودیت (چ) در خصلت ذهن - عینی، در خصلت ارزشی و در خصلت اثر، (ح) در کارکرد چندگانگی و ناتعینی معنایی، در سیلان نکات الف تا ج، در همخوانی با غنای جهان پر تنوع، در روابط آدمی با جهان و با خود انسان، در بیان زیباشناختی خاص و مدنیت اجتماعی در توسعه بخشی به شخصیت انسانی - نکاتی که می‌تواند از جمله در رسالت کارکرد کلی امر زیباشناختی باشد.

بنابر این امر زیباشناختی یک ارزش خاص فرهنگی است. از آنجا که امر زیباشناختی به گونه‌ای با ارزش نهی و ارزش‌ها رابطه دارد، برخی نظریه‌پردازان، آن را دانش ارزش‌ها یا دانش ارزش نهی دانسته‌اند. این از لحاظ نظری امکان‌پذیر است. البته جا دارد، روشن شود، چگونه ارزش نهی تحقق می‌پذیرد یا منجر به ارزش‌ها می‌شود.

۴ - دریافت زیباشناختی و فعالیت اجتماعی

از آنچه گفته شد برمی‌آید که زیباشناسی یک دانش اجتماعی است؛ از این رو نمی‌توان آن را صرفاً بر قانونمندی‌های ریاضی، زیست‌شناختی، فیزیولوژی یا روان‌شناسی استوار کرد. پدیده‌های زیباشناختی را نمی‌توان از نظر تکوین و دریافت، چیزی بسی ارتباط با انسان دانست، و چنین نیست که حاصل فرایند صرف مشاهده و شناخت است، بلکه نتیجه دریافت (آزاندن) دیالکتیکی فعال و خلاق موضوع از جانب انسان است.

پیشرفت رویکرد زیباشناختی انسان به جهان و به هنر (همراه با تفکر هنری، هوش موسیقایی، درک ادبی با نگرش آفریننده) تنها وقتی قابل درک است که مبنای اجتماعی این رویکرد در نظر گرفته شود (یعنی: وابستگی آن به کنش اجتماعی انسان). در تشکیل پدیده‌های زیباشناختی گذشته از عالم حواس انسان، تمام عالم روحی او دست‌اندرکار است. فعالیت اجتماعی و تعاونی انسان است که انسان را قادر به دریافت زیباشناختی واقعیت می‌کند. دریافت زیباشناختی جهان یکی از شیوه‌هایی است که انسان دنیا را برای خود «خودی» و «زیست‌پذیر»

می‌کند. آنجا که امکانات زیباشناختی وجود ندارد، انسان تنها محیطی را می‌تواند عالم دریافته خود بداند که در آن امکان تحقق خودآفرینی دارد.

دریافت زیباشناختی جهان ضمناً یک فرآیند شناختی و ارزش نهمی است. مناسبت بین عمل شناخت و ارزش نهمی همواره موضوع بررسی بوده است. البته در این رهگذر مناسبت دارد که دریافت زیباشناختی امر از دریافت هنری تفکیک گردد. در فرایند دریافت زیباشناختی پدیده‌های عالم هستی می‌توان مؤلفه‌های چهارگانه زیر را به حساب آورد:

الف) موضوع زیباشناختی (هنری و برون هنری).

ب) عامل (سوبزه) مشاهده‌گر.

ج) فرایند تکوین (آفرینش) زیباشناختی.

د) زمینه اجتماعی.

در فرایند دریافت زیباشناختی نه تنها شناخت صورت می‌گیرد، بلکه قبل از همه رویکرد (خاستگاه) زیباشناختی - ارزش‌گذارانه، نگرش زیباشناختی - ارزش‌گذارانه، تجربه‌ها و زیسته‌ها، کنش زیباشناختی پدیده‌ها، هنجارهای زیباشناختی، کارکرد و ارزش‌ها، بازسازی زیباشناختی و هنری چیزها، ارتباط زیباشناختی، فرهنگ زیباشناختی و جز آن صورت می‌گیرد.

گفتنی است که ارزش‌گذاری زیباشناختی نه تنها موضوع ناوابسته به انسان را دربرمی‌گیرد، بلکه خود کنش آدمی، رفتار، عالم روحی او نیز مشمول آن می‌شود. ما کنش خود و دیگر مردمان را ارزش‌گذاری می‌کنیم (فرضاً در مسابقه‌ها و کنش‌های ورزشی، در ژیمناستیک، در رفتار اخلاقی کیفیت کار و غیره).

در تاریخ زیباشناسی بارها این مسأله مطرح شده است که آیا کار زیباشناسی این است که به تأثیر موضوع توجه کند یا به عامل (سوبزه) مشاهده‌کننده و خلاق. تجربه حکم می‌کند که این هر دو قطب در ارتباط و فرایند با یکدیگر در نظر گرفته شود. البته ضمناً بستگی دارد به تأکیدی که هنرمند با پرداخت هنری موضوع در نظر دارد، بستگی دارد به اینکه تأکید بر بازتاب زیباشناختی ما به واقعیت است (یعنی به تجربه و زیسته زیباشناختی)، یا اینکه به تأثیر زیباشناختی پدیده‌ها و امور.

تحلیل و تفسیر دریافت زیباشناختی امر، گویای آن است که جدانگری این دو جنبه از یکدیگر عینیت ندارد. در فرایند خلق هنری از یک سو انسان به دریافت زیباشناختی خود شیئت می‌بخشد، و از سوی دیگر موضوع یا جهان در دست تصویر را انسانی می‌کند. این دگرگونی دوجانبه یک فرایند است که در بستر آن تعلیقیت جهان به انسان و انسان به جهان یک امر تاریخی و تحولی است، چنان نیست که یکبار برای همیشه داده شده باشد. به همین دلیل است که در روند تاریخ و پیشرفت اجتماعی، شخصیت (فردیت)، هنجارهای اجتماعی زیباشناختی، خاستگاه‌ها، کارکردها، ارزش‌گذاری‌ها و خود ارزش‌ها دستخوش دگرگونی می‌شوند.

بنابر این، فرایند خودی کردن زیباشناختی موضوع یا واقعیت عینی بستگی پیدا می‌کند هم به خصیلت موضوع و هم به خصیلت نیروی وجودی انسان (نیروی که به برکت آن انسان به فردیت تاریخی مشخص خود تحقق می‌بخشد). هر انسانی ابعاد خاصی از جهان هستی را به تعلق خود درمی‌آورد و به گونه‌ای خاص آن را

موضوع زیبایی‌شناسی ۱۵

"خودی" می‌کند (همین اصل در مورد گروه‌ها و طبقات اجتماعی در مقطع مشخص تاریخی و پیشرفت جامعه مصداق دارد).

بنابر این، دریافت و خودی کردن جهان هستی زمینه‌های گوناگون دارد. یکی از آنها دریافت و خودی کردن در قلمروی امور زیباشناختی و هنر است. دنیای هنر یک سیستم همگانی باز است و در دسترس همه افراد می‌باشد؛ می‌توان فعالانه در آن شرکت کرد و به آن گستره بعدی دارد.

کهن‌ترین سیستم پرانگه‌ای ایده‌آلیسم آلمانی



گنورگ و کنگر فرم‌های شکل

Thurgau, Georg

Die Kunst der Renaissance, Verlag J. Neumann, Neudamm

Praktische Kunstgeschichte, 1934

پرتال جامع علوم انسانی

من اینک معتقد شدم که عالی‌ترین کنش عقلی، عقلی که همه چیز را در بر می‌گیرد، کنش زیباشناختی است. این که جهت و خیر تنها در زیبایی است پیدا می‌کنند فیلسوف باید از همان اندازه نیروی زیباشناختی برخوردار باشد که شاعر، مردمان بدون این زیباشناختی فیلسوفان بی‌مسئولیتند. فلسفه روح، یک فلسفه زیباشناختی است. بدون حس زیباشناسی نمی‌توان تکلیف بود. حتی نمی‌توان نسبت به تاریخ استدلال تکلیف کرد. این از آنرو گفته شد که روشن شود مردم در فقدان چه هستند بردمانی که هیچ اینها را نمی‌توانند. همچنین ادعان دارند که تا امر از ارقام و اسناد فراموشی رود، همه چیز برای آنها تیره می‌گردد. اینجاست که شعر منزلت معنایی می‌یابد، باز دیگر سرانجام همان چیزی می‌شود که در اصل بود. آبرو را